



در بیان کلیت
مسئله مباحث علاوه بر صیاح بریدی (دام الله العالی)

آزادی، فوق قانون؟!!

پرسش: گاهی گفته می‌شود: «آزادی، فوق قانون است و نمی‌توان آن را محدود کرد» ارزیابی شما درباره این گفته، چیست؟

پاسخ: در اعلامیه حقوق بشر، حقوقی هم‌چون: حق آزادی بیان، آزادی اختیار مسکن، آزادی عقیده، اختیار شغل، آزادی اندیشه، انتخاب مذهب و انتخاب همسر برای انسان‌ها آمده است؛ از سوی دیگر این آزادی‌ها فوق قانون شناخته می‌شوند و هیچ قانونی حق تعرض به آن‌ها را ندارد.

در این‌جا پرسش‌های زیادی پیش می‌آید: آیا مقصود از فوق قانون بودن این آزادی‌ها آن است که هیچ قانونی اجازه نداشته باشد آن‌ها را محدود کند؟ آیا این آزادی‌ها حدود مرز مشخصی دارند یا خیر؟ آیا هرکس می‌تواند هرچیز دلش خواست بگوید؟ می‌بینیم در هیچ‌کشوری چنین اجازه‌ای را نمی‌دهند و برای آزادی بیان، حدود مرزی قائل می‌شوند؛ مثلاً توهین به شخصیت افراد در هیچ‌جای عالم پذیرفته نیست.

در پاسخ به این سؤال، که حد و مرز آزادی‌ها تا به کجاست و چه کسی آن‌را تعیین می‌کند، یک جواب کلی داده شده است که: حد و مرز آزادی‌ها تا آن‌جاست که مشروع باشد؛ یعنی منظور، آزادی‌های مشروع است. برخی نیز گفته‌اند: آزادی‌های مشروع و معقول و عده‌ای هم قیدهای دیگری اضافه کرده‌اند، مثل این‌که قانون، حدود آزادی را تعیین می‌کند.

اولین تناقض و تعارض، این‌جا پیدا می‌شود: از یک طرف می‌گویند این حقوق و آزادی‌ها فوق قانون است و هیچ قانونی، نباید آن‌ها را محدود کند، از طرف دیگر می‌گویند چون آزادی مشروع - نه مطلق - مطلوب است، قانون باید حدود آزادی را بیان کند و آن را محدود نماید!

● قلمرو آزادی در حقوق بشر

نخستین چیزی که به عنوان محدودکننده آزادی‌های فردی مطرح شده، آزادی دیگران است؛ یعنی هر فردی تا آن‌جا آزاد است که مزاحم آزادی دیگران نشود و به حقوق دیگران تجاوز نکند.

در این‌جا سؤال‌های دیگری می‌شود که: اولاً مزاحمت با آزادی دیگران را در چه مقوله‌ها و عرصه‌هایی تصور می‌کنید؟ آیا این مزاحمت‌ها فقط در امور مادی است، یا امور معنوی را هم شامل می‌شود؟ آیا مخالفت با مقدسات دینی مردم، مخالفت با آزادی آن‌ها هست یا نیست؟ تفکر لیبرال غربی می‌گوید: حدود آزادی‌ها امور معنوی را شامل نمی‌شود و مخالفت با امور معنوی آزادی را محدود نمی‌کند؛ لذا وقتی گفته می‌شود که اسلام، توهین کننده به خدا و پیغمبر (ص) و مقدسات اسلام را مرتدمی‌داند، به عنوان مثال: قتل سلمان‌رشدی را به جهت توهین به مقدسات اسلام جایز می‌داند، نمی‌پذیرند و می‌گویند بیان، آزاد است.

آیا آزادی بیان، آن‌قدر گسترده است که فردی بتواند از آن طرف دنیا به مقدسات بیش از یک میلیارد مسلمان، که پیغمبرشان را از جان خودشان بیشتر دوست می‌دارند، توهین کند؟ چه عقل و منطق و استدلال و شریعتی اجازه چنین کاری را می‌دهد؟

از طرفی، هر جامعه‌ای دارای فرهنگ، قدسات و احکام خاصی است و در یکی از بندهای همین اعلامیه حقوق بشر آمده است که هرکسی در انتخاب مذهب، زاد است. خوب، وقتی انسان، مذهبی را انتخاب کرد، باید به احکامش عمل کند. انتخاب مذهب فقط به این نیست که به زبان گوید، بلکه باید در عمل هم آزاد باشد و زادانه به مذهب خود، عمل کند. حال ما زادانه اسلام را انتخاب کردیم؛ اسلام هم می‌گوید کسی که به اولیای اسلام توهین کند، مجازاتش مرگ است. فرهنگ غربی می‌گوید که این حکم اسلام، خلاف حقوق شر و خلاف حقوق طبیعی انسان‌هاست؛ پراهر انسانی به مقتضای طبیعتش حق دارد رچه می‌خواهد بگوید! پس این دو مطلب ه در اعلامیه حقوق بشر آمده است، با کدیگر تعارض دارند.

باز می‌پرسیم: به چه دلیل هرکسی حق دارد هرچه می‌خواهد بگوید؟ اگر بن آزادی مطلق است، چرا خود شما می‌پذیرید در مورد تهمت زدن، افترا زدن توهین کردن، آیا خودتان قبول دارید که زادی مطلق است؟ اگر می‌گویید محدود است، آیا صرفاً محدود به وارد کردن فساد مالی، جانی و حیثیتی به دیگران است؟ اگر به روح، حیات معنوی و ایده‌ها آرم‌ان‌های مقدس یک نفر، یا یک ملت، فانت کرد، ممنوع نیست؟

● قلمرو آزادی در اسلام

بر اساس بینش اسلامی، آزادی چگونه است و قلمرو و حد و مرز آن چیست؟ مسلماً اسلام، آزادی مطلق را به رسمیت نمی‌شناسد و هرگز هم معتقد نیست که آزادی، فوق قانون است و هیچ قانونی نمی‌تواند آن را محدود کند. در اسلام، زندگی انسان به دنیا خلاصه نمی‌شود؛ بلکه زندگی اصلی و جاویدان در جهان دیگری به نام آخرت، ادامه خواهد یافت. مصالح انسان نیز به مصالح مادی محدود نمی‌شود و مصالح بسیار مهم‌تر معنوی و دینی که در واقع، مصالح مادی نیز مقدمه آن‌هاست، برای انسان مطرح است.

بنابراین در اسلام، آن‌چه برای مصالح معنوی انسان‌ها و برای شخصیت، روح الهی، مقام خلیفه الهی و انسانیت، ایجاد مزاحمت می‌کند و هم‌چنین آن‌چه به مصالح مادی و سلامتی و امنیت انسان‌ها ضرر می‌رساند، نیز ممنوع است و از حد و مرزهای آزادی است؛ زیرا علاوه بر حقوق مالی، جانی و حیثیتی، حقوق معنوی و رشد روحانی انسان نیز جزء حقوق انسان مسلمان است و به هیچ‌روی تعرض به آن‌ها مجاز نمی‌باشد؛ بنابراین در جامعه اسلامی، محدوده آزادی صرفاً مصالح مادی نیست؛ بلکه علاوه بر آن و مهم‌تر از آن و مقدم بر آن مصالح معنوی انسان‌ها محدوده آزادی - به هر شکل آن - را تعیین می‌کند.